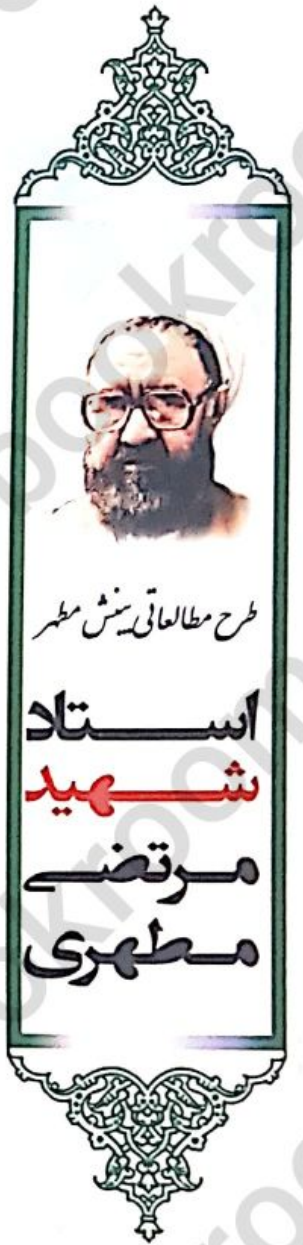


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# انسان‌شناسی



طرح مطالعاتی در سبک مطهر

استاد  
**شهید**  
مرتضی  
مطهری



## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱۰

### فصل اول: مبانی

درس اول: انسان و حیوان ..... ۱۵

کسب سوالات انگیزشی و امتحانی ..... ۱۵

شعاع آگاهی و سطح خواسته حیوان ..... ۱۶

شعاع آگاهی و سطح خواسته انسان ..... ۱۷

ملاک انسانیت ..... ۱۸

اقوال اندیشمندان درباره امتیاز انسان از جانداران دیگر ..... ۱۹

آیا انسانیت رویناست؟ ..... ۲۰

اختیار، امتیاز بزرگ انسان ..... ۲۳

درس دوم: مکتب انسانیت ..... ۲۸

کسب سوالات انگیزشی و امتحانی ..... ۲۸

سقوط انسانیت از مقام خود در قرون اخیر ..... ۲۹

ظهور دوباره انسانیت و تناقض پدیدآمده ..... ۳۲

صلح کل ..... ۳۳

تفاوت اساسی انسان با حیوان ..... ۳۴

«دین انسانیت» اگوست کنت ..... ۳۵

اختیار و مسئولیت انسان ..... ۳۷

سعادت و لذت انسان ..... ۳۹

تناقض در مکاتب اصالت انسان ..... ۴۰

رابطه اصالت انسان با خدا ..... ۴۳

### فصل دوم: انسان در مکتب اسلام

درس سوم: انسان در جهان بینی اسلامی ..... ۴۶

کسب سوالات انگیزشی و امتحانی ..... ۴۶

ارزش‌های انسان ..... ۴۷

ضد ارزش‌ها ..... ۵۵

راز مذمت و مدحت انسان در قرآن ..... ۵۸

موجود چند بُعدی ..... ۶۰

۱. علم و دانایی ..... ۶۱

۲. خیر اخلاقی ..... ۶۲



۶۳	.....	۳. جمال و زیبایی
۶۳	.....	۴. تقدیس و پرستش
۶۶	.....	توانایی‌های گوناگون انسان
۶۸	.....	خودشناسی
۶۹	.....	پرورش استعدادها:
۶۹	.....	الف: پرورش جسم
۷۰	.....	ب: پرورش روح
۷۰	.....	نقش مؤثر انسان در ساختن آینده خویش
۷۵	.....	درس چهارم: میدان آزادی و اراده
۷۵	.....	کس سوالات انگیزشی و امتحانی
۷۶	.....	محدودیت‌های انسان
۷۶	.....	۱. وراثت
۷۶	.....	۲. محیط طبیعی و جغرافیایی
۷۶	.....	۳. محیط اجتماعی
۷۶	.....	۴. تاریخ و عوامل زمانی
۷۷	.....	طغیان انسان علیه محدودیت‌ها
۷۷	.....	انسان و قضا و قدر الهی
۷۸	.....	انسان و تکلیف
۷۸	.....	شرایط تکلیف
۷۸	.....	۱. بلوغ
۷۹	.....	۲. عقل
۷۹	.....	۳. اطلاع و آگاهی
۸۰	.....	۴. قدرت و توانایی
۸۲	.....	۵. آزادی و اختیار
۸۳	.....	شرایط صحت
۸۷	.....	درس پنجم: آگاهی‌های انسان
۸۷	.....	کس سوالات انگیزشی و امتحانی
۸۹	.....	راز سقوط انسانیت در غرب
۹۱	.....	انواع خودآگاهی:
۹۱	.....	۱. خودآگاهی فطری
۹۲	.....	۲. خودآگاهی فلسفی

۹۲	۳. خود آگاهی جهانی
۹۵	۴. خود آگاهی طبقاتی
۹۶	۵. خود آگاهی ملی
۹۷	۶. خود آگاهی انسانی
۱۰۲	۷. خود آگاهی عارفانه
۱۰۵	۸. خود آگاهی پیامبرانه

### فصل سوم: انسان شناسی قرآنی

۱۱۰	درس ششم: محرکات غریزی انسان
۱۱۰	کس سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۱۱	اصول خواسته های انسان
۱۱۲	محرک اصلی انسان در «ماتریالیسم تاریخی»
۱۱۳	چگونگی توجیه مذهب در ماتریالیسم تاریخی
۱۱۵	ماتریالیسم تاریخی و مسئله عدالت
۱۱۶	دیدگاه علی الوردی درباره خاستگاه دین
۱۱۹	نادرست بودن نظر «الوردی»
۱۲۱	سخن علی الوردی درباره علی <small>علیه السلام</small>
۱۲۲	ویژگی انحصاری مکتب انبیاء <small>علیهم السلام</small>
۱۲۵	درس هفتم: محرک های معنوی انسان
۱۲۵	کس سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۲۶	نادرست بودن تفسیرهای یکجانبه از انسان و تاریخ
۱۲۷	انسان، موجودی قابل نوسان
۱۲۸	قرآن و محرک های معنوی انسان
۱۳۰	دو نکته از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و امام خمینی <small>ره</small>
۱۳۱	دعای کمیل و خواسته های معنوی انسان
۱۳۳	همه جانبه بودن اسلام
۱۳۴	تجلی غرایز مختلف در انسان
۱۳۴	داستان عضدالدوله دیلمی
۱۳۵	ویژگی غریزه دینی
۱۳۶	خود حقیقی انسان
۱۳۷	خسران نفس
۱۳۹	مسئله «خود» در اندیشه های اقبال و گاندی



۱۴۱	.....	درس هشتم: خود حقیقی در قرآن
۱۴۱	.....	کس سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۴۲	.....	مراد از خود فراموشی
۱۴۴	.....	معنای خود فراموشی
۱۴۶	.....	خود واقعی و خود مجازی
۱۴۷	.....	معرفت نفس و معرفت رب
۱۴۸	.....	نقدهای گاندی به تمدن غرب
۱۵۲	.....	انکار «من» در غرب
۱۵۳	.....	رد نظر غربی ها درباره حقیقت «من»
۱۵۵	.....	چگونگی ادراک خداوند از طریق ادراک خود
۱۵۵	.....	لزوم بازیافتن خود حقیقی
۱۵۶	.....	یک فکر بسیار غلط در باب اهمیت عبادات
۱۵۷	.....	درس نهم: خودیابی با ذکر خدا
۱۵۷	.....	کس سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۵۸	.....	اشکال و پاسخ درباره غفلت از خود
۱۵۹	.....	ذکر خدا، تنها راه باز یافتن خود
۱۶۱	.....	جامعیت نگاه اسلام درباره معنویت
۱۶۲	.....	تفاوت روش اسلامی با روش هندی در توجه به معنویت
۱۶۳	.....	فلسفه تشریح عبادات
۱۶۴	.....	فلسفه عبادات
۱۶۴	.....	۱. توجه به بنده بودن
۱۶۵	.....	۲. یاد خدا
۱۶۶	.....	فلسفه عبادت در روایت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۱۶۷	.....	عبادت و مطیع کردن نیروی خیال
۱۷۰	.....	کلام امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> درباره ذکر
۱۷۱	.....	نماز و دعای حضرت زکریا <small>علیه السلام</small>
۱۷۱	.....	عرفان اسلامی
۱۷۳	.....	درس دهم: نقد مکتب هندی
۱۷۳	.....	کس سوالات انگیزشی و امتحانی
۱۷۵	.....	یک تلقی نادرست از جایگاه یاد خدا در اسلام
۱۷۷	.....	ایمان به خدا، مستلزم بریدن از غیر خدا

- دو نوع پیوند با اشیاء.....
- ۱۷۸.....
- تفاوت اساسی میان اسلام و مکتب و فلسفه هندی.....
- ۱۷۹.....
- نفی ریاضت‌های شدید روحی و جسمی در اسلام.....
- ۱۸۰.....
- عدم تمرین تمرکز بر یک نقطه در اسلام.....
- ۱۸۱.....
- نقد برخی اعضای هشتگانه یوگا.....
- ۱۸۴.....
- عضو اول: پرهیزکاری‌ها.....
- ۱۸۴.....
- توجیه مسئله بی‌آزاری.....
- ۱۸۵.....
- یوگا و غریزه جنسی.....
- ۱۸۷.....
- یوگا و حرص دنیا.....
- ۱۸۸.....
- عضو دوم: واجبات.....
- ۱۸۹.....
- سه مرتبه در انسان از نظر علمای اسلام.....
- ۱۹۱.....
- عضو سوم: حالات مختلف یوگا.....
- ۱۹۲.....

مقدمه



### بسم الله الرحمن الرحيم

پس از حمد و تسبیح خدای تعالی، سلام و درود خویش را به روان پاک استاد شهید مرتضی مطهری نثار می‌داریم که با شعاع فروزان خود، مردگان را حیات بخشید و به ظلمت‌ها نور افشاند، معلم شهیدی که پس از گذشت چند دهه از شهادتشان آثار آن شهید سعید همچنان از طراوت و سرزندگی خاصی برخوردار بوده و به عنوان اندیشه حماسه و ظهور با تبیین اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جوابگوی بسیاری از مسائل و نیازهای فکری جامعه می‌باشد. از این رو ولی معظم فقیه آثار ایشان را به عنوان مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی معرفی نموده است.

در طول سالیان پس از شهادت ایشان در چاپ آثار استاد، زحمات زیادی صورت پذیرفته که جای تقدیر و تشکر دارد؛ اما آثار از آن سال تا کنون به صورت کشکولی و غیرعلمی و برنامه‌ریزی نشده توزیع شده است، با توجه به تجربه مستمر طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری و تأکیدات ولی معظم فقیه ذَامَظَلَّةُ بر برنامه‌ریزی آثار استاد شهید و همچنین بازخورد نظرات مخاطبین و بینش پژوهان، لزوم بازنگری در نحوه چینش مطالب استاد با هدف ایجاد نظام فکری و کادرسازی معرفتی، مشهود می‌باشد. بنا به ضرورت فوق دبیرخانه بینش مطهر اقدام به بازنگری و بازسازی آثار ایشان در قالب سیر مطالعاتی آسان به مشکل با رویکرد موضوعی و نظام‌مند نموده است.



## ویژگی‌های کتاب «انسان‌شناسی»

۱. هرچند شروع سیر مطالعاتی بینش مطهر براساس جلوه‌های انسان‌شناسی مانند آزادی مطرح گردید، ولی در کتاب حاضر به طور خاص به مباحث انسان‌شناسی توجه، و تلاش شده موضوعاتی را که استاد شهید در جلسات و مقالات متفاوت در این خصوص مطرح نموده‌اند، به صورت یک سیر منطقی نظام‌مند جمع‌آوری و ارائه شود.

۲. کتاب انسان‌شناسی دارای سه فصل می‌باشد:

فصل اول «مبانی» از دو درس تشکیل شده است که درس اول آن با موضوع «انسان و حیوان» مندرج در کتاب‌های انسان و ایمان و حکمت‌ها و اندرزها و درس دوم آن با عنوان «مکتب انسانیت» متخذ از کتاب آزادی معنوی صدرا می‌باشد.

فصل دوم «انسان در مکتب اسلام» شامل سه درس است که در کتاب انسان در قرآن صدرا مندرج است.

فصل سوم «انسان‌شناسی قرآنی» شامل هفت درس برگرفته از مجموعه سخنرانی‌هایی است که استاد مطهری در زمستان ۱۳۵۰ و بهار ۱۳۵۱ ایراد فرموده‌اند و اخیراً با عنوان «انسان‌شناسی قرآنی» توسط انتشارات صدرا چاپ شده است.

\* از گفتارهای «خود یا ناخود»، «توسعه خودی»، «جهان‌شناسی قرآن»، «انسان‌شناسی قرآن» و «زیبایی‌های انسان در قرآن» به جهت تکرار در محتوا به نقل مطالب جدیدشان در پاورقی (تحت عنوان «مطلب تکمیلی») اکتفا شده است.

۳. به منظور استفاده هرچه بیشتر بینش‌پژوهان از مباحث استاد شهید، مطالب در نظام آموزشی به صورت درسی ارائه شده و در ابتدای هر درس سؤال‌های اصلی و انگیزشی آن قسمت آورده شده است.

۴. آن قسمت از یادداشت‌های استاد که مطلب جدیدی علاوه بر مطالب کتاب داشته در پاورقی قسمت مربوطه آورده و با عنوان «یادداشت استاد» متمایز شده است. همچنین از دیگر آثار استاد شهید چنانچه مطلبی جدید و مرتبط با موضوع بحث یافت شده، با عنوان «مطلب تکمیلی» در پاورقی آورده شده است.

۵. یکی از مشکلات مخاطبان آثار شهید مطهری برای ادامه مسیر، مواجهه با واژه‌ها و مفاهیم خاصی است که احیاناً بینش‌پژوهان معانی آنها را نمی‌دانند و به تصور اینکه مطالب استاد مشکل بوده و آنها متوجه نمی‌شوند ادامه مطالب را رها می‌نمایند. برای رفع این مشکل، توضیح واژه‌هایی که ممکن است برای مخاطب دشوار باشد، در پاورقی ارائه شده است.



۶. برای استفاده بیشتر از این کتاب و همچنین به منظور تدریس سرگروه، مربی و اساتید محترم لوح فشرده تدریس و نیز درسنامه این کتاب شامل ضرورت بحث، خلاصه و چکیده مبحث، مسائل تکمیلی، نکات قابل توجه، نمودار درختی، ارائه آثار هنری و نقد آن و ... تهیه شده که از دبیرخانه بینش مطهر قابل تهیه است.

۷. آنچه در این طرح از اهمیت به سزایی برخوردار است، برنامه‌ریزی مدون برای شکل‌گیری نظام فکری بر اساس آثار استاد شهید مطهری است. بدین منظور، چگونگی مطالعه برنامه‌ریزی شده در سیر آسان به مشکل آثار و چستی طرح مطالعاتی آثار شهید مطهری در کتاب «بینش مطهر»، مندرج است. لازم است بینش‌پژوه از چگونگی و چستی این برنامه کاملاً مطلع باشد.

۸. سیر کتاب‌های آثار شهید مطهری در چهار سطح طراحی شده و مرحله‌بندی آنها در سیر مطالعاتی آسان به مشکل با رویکرد موضوعی و همچنین جایگاه این کتاب در این برنامه به شرح زیر می‌باشد:

#### سطوح چهارگانه سیر مطالعاتی بینش مطهر (۴ سطح در ۱۱ مرحله)

سطح چهار	سطح سه	سطح دو	سطح یک
مرحله اول	مرحله اول	مرحله اول	مرحله اول
۳۱. نهجی به نهج‌البلاغه	۲۲. اسلام و ملی‌گرایی	۱۳. تربیت و رشد اسلامی	۱. بینش مطهر
۳۲. معرفت‌شناسی	۲۳. بیداری اسلامی	۱۴. عقل و علم	۲. آزادی انسان
۳۳. علم اخلاق	۲۴. ولایت فقیه و روحانیت	۱۵. اخلاق اسلامی	۳. آزادی بندگی، هدف زندگی
۳۴. عرفان اسلامی	۲۵. احیای تفکر دینی و علل دین‌گریزی	۱۶. حق و عدالت	۴. خدا در زندگی انسان
مرحله دوم	مرحله دوم	مرحله دوم	مرحله دوم
۳۵. خداشناسی	۲۶. اسلام و توسعه	۱۷. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد اول (مبانی)	۵. سیره نبوی
۳۶. عدل و قدر		۱۸. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد دوم	۶. تبلیغ
۳۷. جامعه‌شناسی و تاریخ	۲۷. پایان پیامبری	۱۹. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد سوم	۷. مسئله نفاق
مرحله سوم	مرحله سوم		۸. سیره امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۳۸. پیامبرشناسی	۲۸. انسان‌شناسی	۲۰. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد چهارم (اخلاق جنسیتی)	مرحله سوم
۳۹. امام‌شناسی	۲۹. فطرت انسان		۱۰. امر به معروف و نهی از منکر
		۱۱. سیره معصومین <small>علیهم السلام</small>	
۴۰. رستاخیز	۳۰. کمال انسان و انسان کامل	۲۱. حقوق زن و مرد در اسلام، جلد پنجم (حجاب)	۱۲. مهدویت

کتاب ضمیمه (۱- اقتصاد اسلامی ۲- تاریخ عقاید اقتصادی ۳- کتب مباحث فلسفی)

\* مفاد کلیه مباحث تفسیری استاد در کتب بینش و رفتار قرآنی توسط انتشارات بینش مطهر به چاپ رسیده است.

۹. مطالعه و مباحثه این کتاب برای دو هفته در نظر گرفته شده است:

مطالب پاورقی جهت مطالعه اختیاری می باشد.	۶۵ صفحه	درس اول تا پنجم	هفته اول
	۶۵ صفحه	درس ششم تا دهم	هفته دوم

در پایان با توجه به اینکه ممکن است در چینش مطالب کتاب، بتوان با نظم و ترتیب بندی بهتر، نتیجه مناسب تری از تأثیر مباحث استاد مطهری برای مخاطبان این اندیشه های بلند حاصل گردد، از مخاطبین و بینش پژوهان این آثار گران سنگ متواضعانه درخواست می گردد، ما را از راهنمایی های ارزشمند خود بهره مند فرمایند.

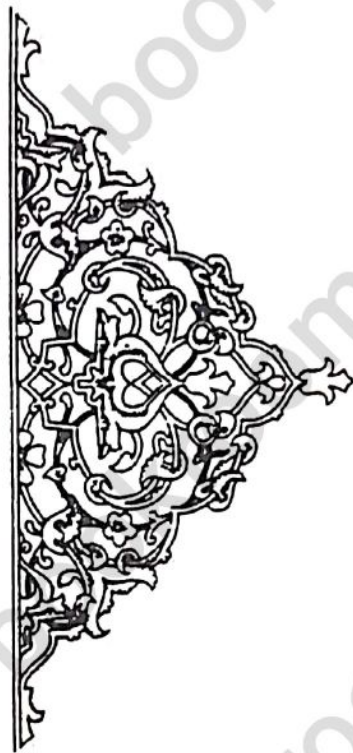
و من الله التوفیق

دبیرخانه بینش مطهر

سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی



فصل اول  
مبانی



## درس اول: انسان و حیوان

### کھ سوالات انگیزشی و امتحانی

۱. تفاوت عمده و اساسی انسان با دیگر جانداران که ملاک «انسانیت» اوست چیست؟
۲. تفاوت انسان با دیگر جانداران از نظر شناخت‌ها و بینش‌ها چگونه و تا چه اندازه است؟ آیا حیوانات فاقد شناخت و بینش نسبت به محیط پیرامون خود هستند و این ویژگی مختص انسان است؟ آیا حیوانات نیز همچون انسان‌ها دارای یک سلسله خواسته‌ها و مطلوب‌ها نیستند؟
۳. شعاع آگاهی و سطح خواسته حیوان چه تفاوتی با شعاع آگاهی و سطح خواسته انسان دارد؟
۴. چه اقوال و اندیشه‌هایی از جانب اندیشمندان بشری درباره امتیاز انسان از دیگر جانداران عرضه شده است؟ اگر بخواهیم به طور جامع تفاوت‌های اساسی میان انسان و حیوان را ذکر کنیم باید از چه تعبیری استفاده کنیم؟
۵. چه رابطه‌ای میان حیوانیت انسان و انسانیت او و میان زندگی حیوانی و مادی او با زندگی انسانی و فرهنگی او وجود دارد؟ آیا یکی از این دو، اصل است و دیگری فرع؟ یکی اساس است و دیگری انعکاسی از او؟ یکی زیربناست و دیگری روبنا؟
۶. سیر تکاملی انسان چگونه رخ می‌دهد، از کجا آغاز می‌شود و یک انسان تکامل یافته واجد چه خصوصیتی می‌باشد؟
۷. آن امتیاز بزرگ انسان از حیوان که مبنای قانون و اخلاق و مقررات و رسالت و... است چیست؟ چه خصوصیتی در حیوان است که آنها را بی‌نیاز از وحی و نبوت و قانون و... نموده است؟



## بسم الله الرحمن الرحيم

انسان، خود نوعی حیوان است؛ از این رو با دیگر جانداران مشترکات بسیار دارد؛ اما یک سلسله تفاوت‌ها با همجنسان خود دارد که او را از جانداران دیگر متمایز ساخته و به او مزیت و تعالی بخشیده و او را بی‌رقیب ساخته است.

تفاوت عمده و اساسی انسان با دیگر جانداران که ملاک «انسانیت» اوست و منشأ چیزی به نام تمدن و فرهنگ انسانی گردیده است، در دو ناحیه است: بینش‌ها و گرایش‌ها. جانداران عموماً از این مزیت بهره‌مندند که خود را و جهان خارج را درک می‌کنند و بدان‌ها آگاه‌اند و در پرتو آن آگاهی‌ها و شناخت‌ها برای رسیدن به خواسته‌ها و مطلوب‌های خود تلاش می‌نمایند.

انسان نیز مانند جانداران دیگر یک سلسله خواسته‌ها و مطلوب‌ها دارد و در پرتو آگاهی‌ها و شناخت‌های خویش برای رسیدن به آن خواسته‌ها و مطلوب‌ها در تلاش است؛ تفاوتش با سایر جانداران در شعاع و وسعت و گستردگی آگاهی‌ها و شناخت‌ها و از نظر تعالی سطح خواسته‌ها و مطلوب‌هاست. این است آنچه به انسان مزیت و تعالی بخشیده و او را از سایر جانداران جدا ساخته است.

### شعاع آگاهی و سطح خواسته حیوان

آگاهی حیوان از جهان تنها به وسیله حواس ظاهره است؛ از این رو سطحی و ظاهری است، به درون و روابط درونی اشیاء نفوذ نمی‌کند؛ ثانیاً فردی و جزئی است، از کلیت و عمومیت برخوردار نیست؛ ثالثاً منطقه‌ای است، محدود به محیط زیست حیوان است و به خارج محیط زیست او راه پیدا نمی‌کند؛ رابعاً حالی است؛ یعنی بسته به زمان حال است، از گذشته و آینده بریده است. حیوان نه از تاریخ خود یا جهان آگاه است و نه درباره آینده می‌اندیشد و نه تلاشش به آینده تعلق دارد.

حیوان از نظر آگاهی هرگز از چارچوب ظواهر، فردیت و جزئیت، محیط زیست و زمان حال خارج نمی‌گردد؛ در این چهار زندان برای همیشه محبوس است و اگر احیاناً خارج شود، نه آگاهانه و از روی شعور و انتخاب است، بلکه تحت تسخیر اجباری طبیعت و به صورت غریزه و ناآگاهانه و غیرشاعرانه است.

سطح خواسته‌ها و مطلوب‌های حیوان، مانند شعاع شناخت و آگاهی‌اش از جهان، در محدوده‌ای خاص است. اولاً مادی است، از حدود خوردن و آشامیدن و خوابیدن و

بازی کردن و خانه و لانه گرفتن و استفاده از جنس مخالف بالاتر نمی‌رود. برای حیوان، خواسته و مطلوب معنوی، ارزش اخلاقی و غیره مطرح نیست. ثانیاً شخصی و فردی است، مربوط است به خودش و حداکثر به جفت و فرزندش. ثالثاً منطقه‌ای است، مربوط است به محیط زیست خودش. رابعاً حالی است و به زمان حال تعلق دارد؛ یعنی همان محدودیت‌هایی که بعد ادراکی وجود حیوان دارد، بعد خواهش‌ها و گرایش‌های وجودش دارد. حیوان از این نظر نیز در محدوده خاصی زندانی است.

حیوان اگر هدفی را تعقیب کند و به سوی غایتی حرکت کند که از این محدوده خارج باشد، مثلاً به نوع تعلق داشته باشد نه به فرد، به آینده تعلق داشته باشد نه به حال - مانند آنچه در بعضی حیوانات اجتماعی از قبیل زنبور عسل مشاهده می‌شود - ناآگاهانه و به حکم غریزه و فرمان مستقیم نیرویی است که او را آفریده و جهان را تدبیر می‌کند.

### شعاع آگاهی و سطح خواسته انسان

قلمرو انسان، چه در ناحیه آگاهی‌ها و بینش‌ها و شناخت‌ها و چه در ناحیه خواسته‌ها و مطلوب‌ها، بسی وسیع‌تر و گسترده‌تر و متعالی‌تر است.

آگاهی انسان و شناخت او، از ظواهر اشیاء و پدیده‌ها عبور می‌کند و تا درون ذات و ماهیت آنها و روابط و وابستگی‌های آنها و ضرورت‌های حاکم بر آنها نفوذ می‌نماید. آگاهی انسان نه در محدوده منطقه و مکان، زندانی می‌ماند و نه زنجیره زمان آن را در قید و بند نگه می‌دارد؛ هم مکان را درمی‌نوردد و هم زمان را.

از این رو، هم به ماورای محیط زیست خویش آگاهی پیدا می‌کند تا آنجا که دست به شناخت کُرّات دیگر می‌یازد، و هم بر گذشته و آینده خویش وقوف می‌یابد، تاریخ گذشته خویش و جهان؛ یعنی تاریخ زمین، آسمان، کوه‌ها، دریاها، گیاهان و جانداران دیگر را کشف می‌کند و درباره آینده تا افق‌های دوردست می‌اندیشد.

بالاتر اینکه انسان اندیشه خویش را درباره بی‌نهایت‌ها و جاودانگی‌ها به جولان می‌آورد و به برخی بی‌نهایت‌ها و جاودانگی‌ها شناخت پیدا می‌کند. آدمی از شناخت فردیت و جزئیت پا فراتر می‌نهد، قوانین کلی و حقایق عمومی و فراگیرنده جهان را کشف می‌کند و به این وسیله تسلط خویش را بر طبیعت مستقر می‌سازد.

انسان از نظر خواسته‌ها و مطلوب‌ها نیز می‌تواند سطح والایی داشته باشد. انسان موجودی است ارزش‌جو، آرمان‌خواه و کمال مطلوب‌خواه؛ آرمان‌هایی را جستجو می‌کند



که مادی و از نوع سود نیست؛ آرمان‌هایی که تنها به خودش و حداکثر همسر و فرزندان اختصاص ندارد، عام و شامل و فراگیرنده همه بشریت است، به محیط و منطقه خاص یا قطعه‌ای خاص از زمان محدود نمی‌گردد.

انسان آنچنان آرمان‌پرست است که گاهی ارزش عقیده و آرمانش فوق همه ارزش‌های دیگر قرار می‌گیرد؛ آسایش و خدمت به انسان‌ها از آسایش خودش بااهمیت‌تر می‌گردد؛ خاری که در پای دیگران فرو برود مثل این است که در پا، بلکه چشم خودش فرو رفته باشد؛ با دیگران همدرد می‌شود؛ از شادی دیگران شاد و از اندوه آنان اندوهگین می‌گردد؛ به عقیده و آرمان مقدس خود آنچنان دلبستگی پیدا می‌کند که منافع خود، بلکه حیات و هستی خود را به سهولت فدای آن می‌نماید.

جنبه انسانی تمدن بشری که روح تمدن به شمار می‌رود، مولود اینگونه احساس‌ها و خواسته‌های بشری است.

### ملاک انسانیت

بینش وسیع و گسترده انسان درباره جهان، محصول کوشش جمعی بشر است که در طی قرون و اعصار روی هم انباشته شده و تکامل یافته است. این بینش که تحت ضوابط و قواعد و منطق خاص درآمده نام «علم» یافته است. علم به معنی اعم - یعنی مجموع تفکرات بشری درباره جهان که شامل فلسفه هم می‌شود - محصول کوشش جمعی بشر است که نظم خاص منطقی یافته است.

گرایش‌های معنوی و والای بشر، زاده ایمان و اعتقاد و دلبستگی‌های او به برخی حقایق در این جهان است که آن حقایق، هم ماورای فردی است، عام و شامل است، و هم ماورای مادی است؛ یعنی از نوع نفع و سود نیست. اینگونه ایمان‌ها و دلبستگی‌ها به نوبه خود مولود برخی جهان‌بینی‌ها و جهان‌شناسی‌هاست که یا از طرف پیامبران الهی به بشر عرضه شده است و یا برخی فلاسفه خواسته‌اند نوعی تفکر عرضه نمایند که ایمان‌زا و آرمان‌خیز بوده باشد.

به هر حال، گرایش‌های والا و معنوی و فوق حیوانی انسان آنگاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند نام «ایمان» به خود می‌گیرد. پس نتیجه می‌گیریم که تفاوت عمده و اساسی انسان با جانداران دیگر که ملاک «انسانیت» اوست و انسانیت وابسته به آن است، علم و ایمان است.

## اقوال اندیشمندان درباره امتیاز انسان از جانداران دیگر

درباره امتیاز انسان از جانداران دیگر سخن فراوان گفته شده است. برخی منکر امتیاز اساسی میان این نوع و سایر انواع هستند؛ تفاوت آگاهی و شناخت انسان با حیوان را از قبیل تفاوت کمی و حداکثر تفاوت کیفی می‌دانند، نه تفاوت ماهوی. همه آن شگفتی‌ها و اهمیت‌ها و عظمت‌ها که نظر فلاسفه بزرگ شرق و غرب را سخت درباره مسئله شناخت در انسان جلب کرده است، چندان مورد توجه این گروه واقع نشده است.

این گروه انسان را از نظر خواسته‌ها و مطلوب‌ها نیز یک حیوان تمام‌عیار می‌دانند بدون کوچکترین تفاوتی از این نظر.<sup>۱</sup> برخی دیگر تفاوت او را در جان داشتن می‌دانند؛ یعنی معتقدند جاندار و ذی‌حیات منحصر به انسان است؛ حیوانات دیگر نه احساس دارند و نه میل و نه درد و نه لذت؛ ماشین‌هایی بی‌جان‌اند شبیه جاندار؛ تنها موجود جاندار انسان است؛ پس تعریف حقیقی او آن است که موجودی است جاندار.<sup>۲</sup> دیگر اندیشمندان که انسان را تنها جاندار جهان نمی‌دانند و به امتیازات اساسی میان او و سایر جانداران قائل‌اند، هر گروهی به یکی از مختصات و امتیازات انسان توجه کرده‌اند. از این رو انسان با تعبیرها و تعریف‌های مختلف و متفاوتی تعریف شده است از قبیل: حیوان ناطق (تعقل‌کننده)، مطلق‌طلب، لایتناهی، آرمان‌خواه، ارزش‌جو، حیوان ماوراءالطبیعی، سیری‌ناپذیر، غیرمعین، متعهد و مسئول، آینده‌نگر، آزاد و مختار، عصیانگر، اجتماعی، خواستار نظم، خواستار زیبایی، خواستار عدالت، دوچهره، عاشق، مکلف، صاحب وجدان، دوضمیری، آفریننده و خلاق، تنها، مضطرب، عقیده‌پرست، ابزارساز، ماوراء‌جو، تخیل‌آفرین، معنوی، دروازه معنویت و ...

بدیهی است که هریک از این امتیازات به جای خود صحیح است، اما شاید اگر بخواهیم تعبیری بیاوریم که جامع تفاوت‌های اساسی باشد، همان به که از علم و ایمان یاد کنیم و بگوییم انسان حیوانی است که با دو امتیاز «علم و ایمان» از دیگر جانداران امتیاز یافته است.<sup>۳</sup>

۱. هابز از فلاسفه معروف انگلستان چنین نظری درباره انسان دارد.

۲. نظریه معروف دکارت.

۳. یادداشت استاد: یکی از استعدادهای خاص انسانی استعداد وظیفه و تکلیف و مسئولیت به عهده گرفتن است. حیوان این استعداد را ندارد. حیوان قابل حمد و ستایش و پاداش و همچنین ملامت و نکوهش نیست. مقید بودن به وظیفه مایه فخر و مباهات انسان است، نه شانه از زیر بار خالی کردن. وظیفه امانت خداست (آیه عرض امانت بر سماوات و ارض و جبال). فقط ظلوم و جهول‌ها هستند که آزادی از قید وظیفه را آزادی و آزادمنشی می‌دانند (حدیث خلق عقل و تحسین او و اینکه او مایه ثواب و عقاب است). علی‌هذا





آثاری که از او هست، بی استثناء همه آثارش خوب است، من این دیدنی را سراغ ندارم



که بتوانم بگویم، بی استثناء آثارش خوب است، انسان ساز است. «امام نبی»

باید برنامه ریزی زمینه‌ای فراهم شود که طلاب، دانشجویان و نسل جوان دوره کتابهای شهید مطهری را مطالعه نمایند. «مقام معظم رهبری، قدس العالی»

- چه رابطه‌ای میان حیوانیت انسان و انسانیت او، میان زندگی حیوانی و زندگی انسانی او، و میان زندگی مادی و زندگی فرهنگی و روحانی او وجود دارد؟ آیا یکی از این دو اصل است و دیگری روبنا؟
- آیا انسان از آن دسته موجوداتی در طبیعت است که آنها را باید به حالت اولی و دست نخورده باقی گذاشت؟ یا انسان هم مثل هزارها چیز دیگر نیاز به ساخته شدن دارد؟ آیا اینکه این گونه یا آن گونه شویم به دست خود ماست؟ شخصیت انسان به دست چه کسی ساخته می‌شود؟
- آیا قرآن در اسلام درباره انسان و شناسایی انسان که انسان چیست و چگونه است سکوت کرده است؟
- آیا انسان هدف خلقت است؟ آیا سایر اشیاء برای انسان آفریده شده‌اند؟
- انسان در فرهنگ اسلامی هم مدح شده است و هم ذم؛ چطور می‌شود که یک موجود ستایش می‌شود و هم نکوهش؟
- آیا مسئله نفخ روح فقط مربوط به آدم اول بوده است؟ یا در همه انسان‌ها چنین است؟
- انسان چگونه زشتی و زیبایی را در خود جمع کرده است؟ آیا بالذات زیباست و بعد به سوی زشتی گرایش پیدا می‌کند یا زشتی و زیبایی در آن واحد در او جمع شده است؟

پاسخ این سوالات را می‌توانید در کتاب «انسان شناسی» جستجو نمایید.



**طرح مطالعاتی بینش مطهر**

Bineshemotahar.ir